

کامل الزیارات و شهادت ابن قولویه به وثاقت راویان^۱

سیدموسی شبیری زنجانی^۲

چکیده

در مفاد شهادت ابن قولویه به وثاقت راویان کامل الزیارات، سه دیدگاه وثاقت تمام راویان، وثاقت مشایخ بی واسطه و عدم دلالت این شهادت بر وثاقت وجود دارد. دیدگاه اول به علت وجود نقض‌های فراوان صحیح نبوده و دیدگاه سوم برخلاف ظاهر کلام ابن قولویه است. در نتیجه دیدگاه دوم صحیح بوده و از شهادت ابن قولویه، وثاقت مشایخ بی واسطه او استفاده می‌شود. باید دانست از مقدمه کامل الزیارات علاوه بر اثبات وثاقت، امامی بودن مشایخ استظهار می‌شود، اما مقدمه دلالتی بر مشهور بودن راویان ندارد. اثبات وثاقت علی بن حسین سعدآبادی، علی بن حاتم قزوینی و محمد بن جعفر رزاز دست‌آورد شهادت ابن قولویه در مقدمه است.

واژگان کلیدی: ابن قولویه، کامل الزیارات، توثیق، مشایخ.

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۱۱/۲۳
۲. تاریخ تأیید مقاله: ۹۶/۱۲/۱۰
این مقاله به همت حجج اسلام کاظمی، احمدی و احسنی از دانش پژوهان مرکز فقهی امام محمدباقر علیه السلام از دروس حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی رحمته الله علیه استخراج و تقریر شده است.

مقدمه

شناخت توثیق و تضعیف راویان از دو راه توثیق عام و توثیق خاص قابل دستیابی است. در این میان توثیق خاص و تصریح به وثاقت در کتب رجال از جایگاهی ویژه برخوردار بوده و بر اعتبار آن اتفاق وجود دارد؛ اما اکتفا به توثیقات خاص با توجه به محدود بودن آنها سبب می‌شود نتوان به حجم گسترده‌ای از روایات عمل نمود. عالمان برای رسیدن به راهی گسترده‌تر که بتواند راویان بیشتری را توثیق کرده و در نتیجه روایات بیشتری را به چرخه استدلال فقهی وارد کند، توثیقاتی عام را طرح کرده‌اند که یکی از آنها ورود نام راوی در کتاب کامل الزیارات ابن قولویه است.^۱ ابن قولویه در مقدمه کتاب خویش می‌نویسد:

و إنما دعاني إلى تصنيف كتابي هذا مسألتك و ترداك القول عليّ مرة بعد أخرى تسألني ذلك و لعلمي بما فيه لي من المثوبة و التقرب إلى الله تبارك و تعالی و إلى رسوله و إلى علي و فاطمة و الأئمة صلوات الله عليهم أجمعين و إلى جميع المؤمنين بيته فيهم و نشره في إخواني المؤمنين علي جملته فأشغلت الفكر فيه و صرفت همّ إليهم و سألت الله تبارك و تعالی العون عليه حتى أخرجته و جمعته عن الأئمة صلوات الله عليهم أجمعين من أحاديثهم و لم أخرج فيه حديثاً روي عن غيرهم إذا كان فيما روينا عنهم من حديثهم كفاية عن حديث غيرهم و قد علمنا أنا لا نخطط بجميع ما روي عنهم في هذا المعنى و لا في غيره، لكن ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله برحمته و لا أخرجت فيه حديثاً روي عن الشاذ من الرجال يؤثر ذلك عنهم عن المذكورين غير المعروفين بالرواية المشهورين بالحديث و العلم؛

۱. ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن مسرور (درگذشته ۳۶۷ ق) از راویان برجسته شیعه در قرن چهارم هجری و از شاگردان اصلی محمد بن یعقوب کلینی و از برجسته‌ترین استادان شیخ مفید است. نجاشی درباره او می‌نویسد: هر آنچه درباره فقه، نیکی و وثاقت شخصی گفته شود، ابن قولویه بالاتر از آنها را داراست. او کتاب‌های زیادی را تألیف کرده که برخی از آنها از این قرار است: کتاب کامل الزیارات، کتاب الجمعة و الجماعة، کتاب قیام اللیل، کتاب الرضا، کتاب الصداق، کتاب الاضاحی. نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۲۳، رقم ۳۱۸.

انگیزه من در نوشتن این کتاب، درخواست شما و اصراری است که از ناحیه شما وجود داشت. از سویی دیگر، می‌دانم که کتاب نوشتن در این زمینه و انتشار آن بین تمام برادران دینی چه پاداشی داشته و سبب قرب من به خدا، رسول خدا و علی و فاطمه و امامان علیهم‌السلام و برادران دینی می‌گردد. به همین سبب، همت و فکر خویش را معطوف این کار کرده و از خداوند متعال کمک بر آن را خواستم تا بتوانم از روایات امامان معصوم علیهم‌السلام زیارت‌ها را به نحو کامل جمع آوری نمایم. روش من بر این استوار است که تنها به نقل حدیث از امامان معصوم علیهم‌السلام پردازم، زیرا نقل از معصومین علیهم‌السلام باعث بی‌نیازی از نقل روایت از دیگران است. روشن است که دستیابی به تمام روایاتی که از امامان معصوم علیهم‌السلام نقل شده ممکن نیست، اما روایاتی را که از ثقات از امامیه به ما رسیده نقل می‌کنم و حدیثی از راویان شاذ را که غیر معروفین به روایت و غیر مشهورین به حدیث و علم از آنها نقل کرده‌اند وارد نکردم.^۱

این مقاله به دنبال آن است که ضمن بررسی مفاد این عبارت، استدلال به آن را بر توثیق راویان موجود در کامل الزیارات بررسی کند.

نکات مقدماتی

۱. بازبایی تصحیفات مقدمه: یکی از مشکلات نسخه چاپ شده کامل الزیارات وجود تحریف و تصحیف در آن است.^۲ این تصحیف در عبارت مقدمه نیز مشاهده می‌شود. یکی از علل وقوع تصحیف و تحریف، تصحیح اشتباه متون است. بدین صورت که مصحح به هدف احسان و از بین رفتن اغلاق متن، برای خود چنین حقی را قائل است که در متن تغییر ایجاد کرده، کلمه‌ای را کم یا زیاد نماید یا کلمه‌ای را از حاشیه به متن

۱. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳.

۲. به عنوان نمونه محمدبن قولویه، پدر جعفر بن قولویه در کامل الزیارات از ده نفر نقل می‌کند که یک مورد آن موسی بن جعفر بغدادی است و این از غلط نسخه است؛ زیرا موسی بن جعفر بغدادی در طبقه مشایخ محمدبن قولویه نبوده و از مشایخ مشایخ محمدبن قولویه همچون سعدبن عبدالله است. در اسناد راویانی چون محمدبن احمد بن یحیی و عمران بن موسی از موسی بن جعفر بغدادی نقل حدیث می‌کنند.

داخل کرده یا با کلمه موجود در متن تعویض نماید؛ اما این تغییر صحیح نبوده و ضرر آن به مراتب بیش از حسن آن است. در کامل الزیارات نیز همین اشتباه رخ داده و مصحح در پاره‌ای از موارد نسخه را تغییر داده است. این تغییر عبارت موجب تغییر معنا یا گنگ شدن مفهوم کلام و هم چنین تفاوت استظهار از کلام *ابن قولویه* در مقدمه کامل الزیارات و در نتیجه اختلاف مبانی در توثیق راویان کامل الزیارات شده است.

اهمیت بازیابی متن صحیح مقدمه و هم چنین مفاد آن نگارنده را بر آن داشته تا فصلی را جداگانه به بررسی مقدمه کامل الزیارات اختصاص دهد. با نگاه به مقدمه مواردی دیده می‌شود که در آنها تصحیف رخ داده است. در ادامه به برخی از این تصحیف‌ها در مقدمه کامل الزیارات اشاره می‌شود.

۱. در کامل الزیارات چاپی «یؤثر» از باب افعال وارد شده است، در حالی که صحیح «یأثر» از باب ثلاثی مجرد معلوم است. «یؤثر» به معنای ایثار و تقدیم داشتن است، ولی «یأثر» به معنای نقل کردن است.

۲. در کامل الزیارات تصحیح شده توسط آقای جعفری پس از «عنهم»، «علیه السلام» وارد شده که حسب ظاهر برای تعیین مرجع ضمیر آمده و از مواردی است که حاشیه در متن داخل شده است. در بسیاری از موارد ضمیر پس از عباراتی مانند «یأثر» به امام معصوم بازگشت داشته که این تصویر باعث اشتباه در ارجاع ضمیر «عنهم» شده است. در حالی که مرجع ضمیر «عنهم»، «الشذاذ من الرجال» است که پیش از آن *ابن قولویه* درباره آنان سخن گفته است.

۳. در برخی از نسخ پس از «عنهم»، «عن المذكورین» وارد شده است و ظاهراً این نیز به علت ورود حاشیه در متن است. بدین صورت که در حاشیه مرجع ضمیر «عنهم» بیان شده و بر «الشذاذ من الرجال» تطبیق شده است، اما به اشتباه، این تفسیر به متن اصلی منتقل شده است. به همین علت در برخی از نسخ به جای «عنهم»، «عن المذكورین» آمده و در برخی دیگر از نسخ «عن المذكورین» در حاشیه ذکر شده است.

۴. یکی دیگر از بخش‌هایی که امکان دارد در آن تصحیف رخ داده باشد عبارت «غیر المعروفین بالروایة، المشهورین بالحديث والعلم» است. شیخ حرّ عاملی در الإیقاظ،^۱ از ابن‌قولویه این‌گونه نقل کرده است «یأثر ذلك عن المذكورین غیر المشهورین بالحديث و العلم». بعید نیست این نقل صحیح بوده و متن ابتدایی از موارد جمع بین متن و حاشیه باشد.^۲

با توجه به این تصحیفات به نظر می‌رسد متن صحیح چنین باشد «و لا أخرجت فيه حديثاً مما روي عن الشذاذ من الرجال یأثر ذلك عنهم غیر المعروفین بالروایة المشهورین بالحديث و العلم».

۲. نگارش مقدمه پس از تألیف: با توجه به مقدمه می‌توان به خوبی دریافت ابن‌قولویه مقدمه کتاب خویش را پس از پایان کتاب نگاشته است، برخلاف برخی کتاب‌ها که مقدمه پیش از آغاز نگارش کتاب نوشته می‌شده است. هدف صاحب کتاب از نگارش مقدمه شناسایی اجمالی کتاب خویش است و روشن است که معرفی اجمالی کتاب زمانی ممکن است که نگارش کتاب پایان یافته باشد. با توجه به این نکته می‌توان ادعا کرد در بیشتر موارد مقدمه پس از نگارش کتاب نوشته می‌شود، هر چند در برخی از موارد ابتدا مقدمه نگاشته شده و پس از آن متن کتاب به رشته تحریر در می‌آید. کلمات و عبارات مقدمه از شواهدی است که بر شناخت زمان نوشته شدن مقدمه دلالت دارد. اگر نویسنده از فعل مضارع استفاده کرده و به عنوان مثال نوشته باشد «و لم أقصد فيه قصد المصنفین في إيراد جميع ما رووه بل قصدت إلى إيراد ما أفتی به و أحکم بصحته و أعتقد فيه أنه حجة فيما بيني و بين ربی»^۳، چنین تعبیری گویای آن است که مقدمه پیش از تألیف کتاب نگاشته شده است و اگر نویسنده فعل ماضی به کار برده باشد، مانند عبارت مقدمه کامل الزیارات «و سألت الله تبارک و تعالی العون علیه حتی أخرجته عن الأئمة علیه‌السلام» دلیل بر آن است که مقدمه پس از پایان یافتن تألیف کتاب نوشته شده است.

حاله پژوهش‌ها

کامل الزیارات و شهادت این‌قولویه به وقت روایان

۱. حرّ عاملی، الإیقاظ من ההجعة بالبرهان علی الرجعة، النص، ص ۳۲۷.

۲. شبیری زنجانی، قاعده لاضرر، جلسه ۶.

۳. صدوق، فقیه، ج ۱، ص ۲.

چنان‌که مشاهده می‌شود *ابن‌قولویه* در این بخش می‌نویسد «از خداوند متعال درخواست کردم که مرا کمک کند»، نه اینکه از خداوند درخواست می‌کنم مرا یاری نماید. این نوع بیان ظهور در اخبار از دعای خویش در هنگام تألیف کتاب داشته و ظهوری در انشا و درخواست در زمان حاضر ندارد. پس می‌توان با استفاده از این تعبیر و مانند آن اثبات کرد مقدمه کامل الزیارات پس از تألیف نگاشته شده است.

تفاوت نگارش مقدمه پیش و پس از تألیف کتاب در این است که اگر مقدمه پیش از تألیف کتاب نوشته شده و در آن وعده به نقل از ثقات داده شده باشد، مانند مقدمه فقیه می‌توان گفت: صاحب کتاب به وعده خویش عمل نکرده یا از هدف خویش در جمع آوری روایات ثقات بازگشته است؛ اما اگر مقدمه پس از تألیف کتاب نگاشته شده باشد، نمی‌توان گفت او از نظر خود برگشته یا به وعده خویش عمل نکرده است، زیرا در مقدمه از کتاب تألیف شده خود خبر می‌دهد و روشن است با این سخن به رعایت نقل از ثقه در کتاب خویش شهادت داده است. با این بیان روشن شد که ادعای اینکه *ابن‌قولویه* از نظر خویش بازگشته یا به وعده خود به نقل از ثقات عمل نکرده نادرست است.^۱

۳. روایت از معصومین علیهم‌السلام: در بخشی از مقدمه کامل الزیارات آمده است «وسألت الله تبارک و تعالی العون علیه حتی أخرجه وجمعه عن الأئمة (صلوات الله عليهم أجمعين) من أحاديثه». مراد از ائمه در این عبارت معنای عام بوده و شامل پیامبر اکرم صلی‌الله‌عنه‌وآله‌وسلم نیز می‌باشد. شاهدش آنکه با مراجعه به روایات کامل الزیارات به موارد متعددی از روایات رسول اکرم صلی‌الله‌عنه‌وآله‌وسلم برخورد می‌شود.^۲ در ادامه آمده است «ولم أخرج فيه حديثاً روي عن غيرهم إذ كان فيما روينا عنهم بحديثهم صلوات الله عليهم كفاية عن حديث غيرهم». در این کلام مناسب‌تر آن است که به جای «إذا كان»، «إذ كان» باشد و مقصود *ابن‌قولویه* این است که «بدین سبب که وجود روایت از معصومین علیهم‌السلام، ما را از روایت از غیر معصوم کفایت می‌کند».

۱. شبیری، محمدجواد، دروس رجال، نوار ۵۳، جلسه ۵۹.

۲. مانند *ابن‌قولویه*، کامل الزیارات، ص ۱۱، ح ۳ و ص ۱۳، ح ۹ و ص ۱۴، ح ۱۴ و ص ۵۰، ح ۲.

در حقیقت این کلام ناظر به اهل تسنن است که روایت افرادی مانند عمر، ابوبکر و صحابه پیامبر ﷺ را در اثبات مطلب کافی می‌دانند و بر این باورند که لازم نیست صحابه از پیامبر نقل کرده باشند یا روایتی در این زمینه از معصوم صادر نشده باشد. بلکه فراتر رفته و از افرادی مانند حسن بصری که از تابعین است، نقل روایت می‌کنند. اما اگر بدل «إذ»، «إذاً» باشد، معنایش آن است که زمانی که روایت معصوم ﷺ کفایت کند، از غیر معصوم ﷺ روایت نقل نخواهم کرد. مفهوم عبارت آن است که در صورت کافی نبودن روایت معصوم ﷺ، از غیر معصوم روایت می‌کنم؛ اما با توجه به لحن /بن قولویه، باید این عبارت را تعلیل دانسته و «إذ» را صحیح دانست. با این استظهار، مقصود /بن قولویه تنها نقل از معصومین ﷺ است.

البته در پاره‌ای از موارد، وقایع پس از شهادت امام حسین ﷺ را از رجلی از اهل بیت مقدس، الزهری^۱ و دیگران نقل کرده و با مشاهده باب نوح الجن کامل الزیارات^۲ روشن می‌شود بیشتر نقل‌های این باب از غیر معصومین است؛ اما با توجه به اینکه ساختار این نوع نقل‌ها که از اتفاق امری تاریخی و حسی خبر می‌دهد، نه خبر از پاداش زیارات ائمه ﷺ، نقل از غیر معصوم در این زمینه اشکالی نداشته و نمی‌توان این نقل‌ها را ناقض کلام /بن قولویه دانست.^۳

۴. نقل از ثقات: /بن قولویه در ادامه مقدمه می‌نویسد «وقد علمنا أنا لا نخط بجمع ما روي عنهم في هذا المعنى و في غيره». مقصود این است که ما نمی‌توانیم به تمام روایات معصومین ﷺ در زمینه زیارات احاطه پیدا کرده و تمام آنها را نقل کنیم. ایشان در ادامه می‌نویسد «ولكن ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله برحمته»^۴. بدین معنا که

۱. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۷۷، ح ۲ و ص ۷۷، ح ۳ و ص ۹۲، ح ۲۰.

۲. همان، ص ۹۳، ح ۱ - ۶ و ۱۰ و ۱۱ در این باب تنها روایات ۷ - ۹ از معصوم ﷺ بوده و سایر روایات این باب از ام سلمه، میثمی، ابی زیاد القندی، عمن حدثه، لیلی، عبد الله بن حسان الکنانی، عمرو بن عکرمة و داود رقی نقل شده است.

۳. شبیری، محمدجواد، دروس رجال، نوار ۵۳، جلسه ۵۹.

۴. محقق خویی از این عبارت استفاده می‌کند مواردی که ابن قولویه از معصوم ﷺ نقل می‌کند، از طرق ثقات است، نه مواردی که از غیر معصوم نقل شده است. (خویی، معجم رجال، ج ۱، ص ۵۰). بعید

«بلکه ما تنها روایت‌هایی را که ثقات از معصومین علیهم‌السلام نقل کرده‌اند، در کتاب ذکر می‌کنیم». از مجموع این عبارت استفاده می‌شود ایشان تعهدی به نقل تمام روایات صادر شده از امامان معصوم علیهم‌السلام در بحث زیارات نداده و به همین دلیل روایات دیگری از امامان معصوم علیهم‌السلام در زیارات وجود دارد. چنانکه متعهد به نقل تمام روایاتی که به دستش رسیده نشده است و به نقل روایاتی که از ثقات به ایشان رسیده اکتفا می‌کند.^۱ البته در اینکه مراد از این عبارت، توثیق تمام راویان موجود در کامل الزیارات است یا تنها درباره مشایخ بدون واسطه / بن‌قولویه است یا از آن توثیق مشایخ استفاده نمی‌شود بحث وجود داشته و در بخش بعدی بدان پرداخته می‌شود.

۵. نقل از راویان امامی: نقل از راویان امامی، نکته دیگری است که می‌توان از مقدمه استفاده کرد. از مقدمه تفسیر قمی که در آن آمده است «و نحن ذاکرون و مخبرون بما ینتهي إلینا و رواه مشایخنا و ثقاتنا عن الذین فرض الله طاعتهم»^۲ تنها ثقه بودن مشایخ قابل استفاده است، ولی در مقدمه کامل الزیارات به «من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله برحمته» تعبیر شده است و ظاهر این عبارت با توجه به ترخم موجود در آن «رحمهم الله برحمته» امامی بودن ثقات مورد نظر است؛ زیرا ترخم، مطابق مبنای معروف و متداول، تنها برای شیعه دوازده امامی جایز بوده و کاربرد آن در مورد فطحیه، واقفیه و دیگر فرق ممنوع است. اگر در این عبارت ترخم وجود نداشت، اصحابنا به معنای امامی بوده و مطابق اصطلاح آن زمان شامل فطحیه، واقفیه و احتمالاً ناووسیه که تا امام صادق علیه‌السلام را معتقد هستند می‌شد. البته اصحابنا شامل زیدیه نیست؛ زیرا زیدیه هر چند شیعه محسوب شده و امامت امام علی علیه‌السلام را پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌پذیرند، اما اینان به امامت بالوصف معتقد بوده‌اند، بدین معنا که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اوصافی را برای امام پس از خود بیان کرده که این اوصاف بر حضرت علی علیه‌السلام تطبیق می‌شده و اصحاب پس از وفات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تطبیق

نیست این عبارت تنها ناظر به روایات نقل شده از معصومین علیهم‌السلام باشد و روایاتی را که به نحو استطرادی از غیر معصوم علیهم‌السلام نقل شده را شامل نباشد.
۱. شبیری زنجانی، قاعده لاضرر، جلسه ۵.
۲. قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴.

این اوصاف اشتباه کرده‌اند، اما از منظر امامیه، پیامبر ﷺ، امام پس از خود را به اسم بیان و تعیین نموده است، نه اینکه تنها بر وصف اکتفا کرده باشد. همچنین بعید به نظر می‌رسد اسماعیلیه داخل در اصطلاح اصحابنا باشد؛ زیرا هر چند این فرقه تمام امامان تا امام صادق (ع) را قبول دارند، اما با شیعه دوازده امامی مانوس نبوده و خطی جداگانه از آنها را دنبال می‌کرده‌اند. در نتیجه هر چند تعبیر اصحابنا شامل فرقه‌هایی مانند فطحیه و واقفیه نیز می‌شود، اما با توجه به ترخم موجود در کلام *ابن قولویه*، باید گفت ایشان به امامی بودن ثقات موجود در کتاب خویش شهادت داده است.^۱

۶. **شهادت *ابن قولویه* به مشهور بودن راویان:** قید دیگری که از عبارت *ابن قولویه* استفاده می‌شود مشهور به علم و حدیث بودن راویان کامل الزیارات است. *ابن قولویه* می‌نویسد «ولا أخرجت فيه حديثاً عن الشذاذ من الرجال يؤثر ذلك عنهم عليهم السلام المذكورين غير المعروفين بالرواية المشهورين بالحديث والعلم». مطابق این نسخه مراد *ابن قولویه* این است که حدیث را از راویان شاذی که نام آنها در سند شده - نه مرسلات - و معروف به روایت و مشهور به حدیث و علم نیستند نقل نمی‌کنم. از این عبارت استفاده می‌شود *ابن قولویه* از افراد شاذ که به حدیث و علم و روایت معروف نیستند، در کامل الزیارات روایت نکرده است. پس تنها ایشان شهادت به ثقه بودن راویان نداده و مطلبی بالاتر، یعنی شهادت به شهرت راوی به علم و حدیث و روایت را ادعا می‌کند.

اما در نسخه‌های معتبر متن این‌گونه است «و لا أخرجت فيه حديثاً روي عن الشذاذ من الرجال يآثر - أي ينقل - ذلك عنهم غير المعروفين بالرواية المشهورين بالحديث والعلم». *ابن قولویه* مطابق این نسخه مدعی است در کامل الزیارات، حدیثی از راویان شاذ را که افراد غیر معروف به روایت و غیر مشهور به حدیث و علم نقل کرده‌اند وارد نکردم. مفهومی این است که احادیث راویان شاذ را تنها در صورتی نقل کرده‌ام که مشاهیر از

حاله پژوهش‌ها

کامل الزیارات و شهادت *ابن قولویه* به وثاقت راویان

۱. شبیری، محمدجواد، دروس رجال، نوار ۵۳، جلسه ۵۹.

آنها نقل کرده باشند. در نتیجه مطابق نسخه معتبر کامل زیارت، *ابن قولویه* از راویان شاذ نیز نقل کرده است، به شرط آنکه راویان مشهور و معروف از آنها نقل کرده باشند.^۱

راویان توثیق شده کامل زیارات

دیدگاه‌های مختلفی در وثاقت راویان کامل زیارات وجود دارد. می‌توان آنها را در سه دیدگاه خلاصه کرد.

۱. عدم توثیق هیچ‌یک از راویان کامل زیارات: اولین دیدگاه که *آیت‌الله تبریزی* نیز بدان معتقد بود، عدم دلالت مقدمه کامل زیارات بر توثیق راویان موجود در آن است. ایشان در *صراط النجاة* می‌نویسد:

کلامی که *ابن قولویه* در مقدمه کامل زیارات بیان کرده بدین صورت است که عنوان‌های کامل زیارات از ثقات گرفته شده است و در صحت این شهادت، صحیح بودن تنها یک روایت در هر باب کافی است. البته این سخن نیز غالبی است که با نگاه به دیگر کتاب‌های نگاشته شده در دعاها و زیارت‌ها روشن می‌شود.^۲

روشن است که اگر بنا را بر تغلیب بگذاریم نمی‌توان وثاقت هیچ‌یک از راویان را احراز کرد. اشکال اساسی این دیدگاه آن است که برداشت مزبور برخلاف ظاهر کلام *ابن قولویه* است.

۲. وثاقت تمام راویان کامل زیارات: از عبارت *ابن قولویه* در مقدمه استفاده می‌شود تمام راویانی که نام آنها در کامل زیارات مشاهده می‌شود ثقه هستند. شیخ حرّ^۳ و محقق خویی^۴ پیش از عدول از این نظریه، از طرفداران این دیدگاه هستند. محقق

۱. شبیری زنجانی، *قاعده لاضرر*، جلسه ۵.

۲. خویی، *صراط النجاة*، ج ۲، ص ۴۵۷.

۳. حر عاملی، *الفصول المهمة*، ج ۱، ص ۳۸؛ همو، *وسائل*، ج ۳۰، ص ۲۰۲.

۴. خویی، *معجم رجال*، ج ۱، ص ۵۰؛ همو، *موسوعه*، ج ۲۰، ص ۹۶. محقق خویی در جای‌جای مباحث خویش با این مبنا راویانی را توثیق کرده است؛ مانند مروزی (همان، ج ۲۰، ص ۴۲۲)، حسن‌بن راشد، *جله قاسم‌بن یحیی* (همان، ج ۲۱، ص ۴۰۹)، *محمد بن عبدالله بن هلال* و *عقبه بن خالد* (همان، ج ۲۱،

خوبی می‌نویسد: شهادت/بن‌قولویه به اعتبار راویان کامل الزیارات بر توثیق تمام روایان موجود در کامل الزیارات دلالت دارد، مگر آنکه قرینه‌ای بر تضعیف وارد شود که بر فرض قوت قرینه، حکم به تضعیف راوی می‌شود.^۱

کلام محقق خوبی را می‌توان این‌گونه تقریب کرد: شهادت/بن‌قولویه به وثاقت راویان کامل الزیارات، به شهادت‌های متعدد انحلال یافته، چنان‌که گویا به وثاقت هر یک از راویان به صورت مجزاً شهادت داده است. حال اگر ضعف یک راوی به اثبات رسید، شهادت/بن‌قولویه درباره وثاقت او از اعتبار ساقط است، اما دلیلی وجود ندارد که شهادت او به وثاقت دیگر راویان مخدوش شود. پس همان‌گونه که شهادت اصحاب رجال اعتبار دارد و تا زمانی که خلاف آن ثابت نشود باید بدان اخذ کرد، شهادت/بن‌قولویه نیز اعتبار داشته و با فرض ثابت نشدن خلاف، شهادتی صحیح تلقی می‌شود. این سخن تنها در مورد کامل الزیارات مصداق نداشته و درباره سایر نویسندگان نیز جریان دارد. به عنوان نمونه، نجاشی کتاب رجال خویش را به هدف ترجمه صاحبان کتب شیعه نگاشته است^۲، اما به علت سهو، علی‌بن‌حسین مسعودی که ظاهراً شافعی است را ترجمه کرده است.^۳ آغا بزرگ ملتزم شده که کتاب الذریعة را درباره مصنفات امامیه بنویسد، ولی گاهی کتاب‌های غیر امامیه را بیان نموده است. هم‌چنین علامه در فصل معتمدین «زیادبن‌عبید» پدر «عبیدالله‌بن‌زیاد» را بیان کرده^۴ است. به نظر می‌رسد با نظر به رجال شیخ که او را عامل امیر المؤمنین علیه‌السلام معرفی کرده،^۵ او را معتمد دانسته و از این غافل بوده که این شخص، همان «زیاد» معروف است. یا نجاشی با اینکه ملتزم به ترجمه صاحبان کتب بوده، اما به اشتباه حسن‌بن‌محبوب که از مؤلفین به نام است را

ص ۴۹۰)، جراح و قاسم‌بن‌سلیمان (همان، ج ۲۲، ص ۹۶)، مسعوده (همان، ج ۲۲، ص ۴۳۳)، ابی‌الجارود (همان، ج ۲۹، ص ۱۹۶).

۱. همو، معجم رجال، ج ۱۹، ص ۳۱۱.

۲. نجاشی در مقدمه غرض خویش از نگارش رجال را عیب‌جویی برخی از مخالفان به پیشینه نداشتن و نبود کتابی از شیعه بیان کرده است. وی به هدف نام بردن از نویسندگان شیعه و کتاب آنها رجال را نگاشته است. نجاشی، رجال‌نجاشی، ص ۳.

۳. همان، ص ۲۵۴، رقم ۶۶۵.

۴. حلی، خلاصه، ص ۷۴.

۵. طوسی، رجال‌طوسی، ص ۶۵، رقم ۵۸۱.

ترجمه نکرده است. بدین ترتیب با فرض ملتزم شدن *ابن قولویه* به نقل از ثقات، اگر در موردی از غیر ثقه روایتی را نقل کرد، باید بر خطا یا غفلت حمل نمود، اما در سایر موارد که خطا و غفلت *ابن قولویه* ثابت نشده، با تمسک به اصل عدم خطا و غفلت، شهادت او موجب اثبات وثاقت راوی خواهد بود.^۱

اشکال اول (نقض به نپذیرفتن شهادت شیخ طوسی درباره مشایخ ثلاث): اولین اشکالی که می‌توان بر این دیدگاه وارد دانست، نقضی است که محقق خوئی آن را طرح کرده و بدان پاسخ داده است. توضیح اشکال آنکه اگر شهادت *ابن قولویه* به شهادت‌های متعدد منحل شده و ثقه نبودن یکی از راویان کامل الزیارات سبب حجت نبودن شهادت *ابن قولویه* در سایر راویان نیست، باید همین سخن درباره شهادت شیخ طوسی به وثاقت مروی عنده مشایخ ثلاث (ابن ابی عمیر، صفوان و بزئطی) نیز گفته شود، در حالی که محقق خوئی درباره شهادت شیخ طوسی می‌فرماید: به علت وجود نقض و وجود راویان ضعیف در مشایخ ثلاث نمی‌توان به شهادت شیخ طوسی حتی در راویانی که ضعف آنها ثابت نشده تمسک جست.^۲

محقق خوئی در پاسخ به این اشکال می‌نویسد: *ابن قولویه* خود شهادت به وثاقت راویان کامل الزیارات می‌دهد، اما مشایخ ثلاث، خود به وثاقت مشایخشان شهادت نداده‌اند. شیخ طوسی نیز از آنها چنین شهادتی را نقل نکرده است. در حقیقت شیخ طوسی پس از تتبع، مشایخ اینان را ثقه دانسته و بدان شهادت داده است. به عبارت دیگر، اگر شیخ طوسی به التزام مشایخ ثلاث به نقل از ثقات و «ثقات عندهم» شهادت داده بود، هیچ تفاوتی با شهادت *ابن قولویه* نداشت اما شیخ طوسی به «ثقات عنده» و «ثقات عند الأصحاب» شهادت داده است. پس چون شیخ طوسی با توجه به استقرای ناقص، وثاقت مروی عنده مشایخ ثلاث را کشف کرده، وجود نقض سبب می‌شود استقرای ناقص وی حجت نباشد، ولی *ابن قولویه* به التزام خود به نقل از ثقات شهادت

۱. شبیری زنجانی، دروس رجال، سال ۶۲، نوار ۴۳ و ۴۴.

۲. خوئی، معجم رجال، ج ۱، ص ۶۳.

داده و با کشف خلاف در یک یا چند مورد، تنها اشتباه در این موارد خاص کشف شده و شهادت او در سایر موارد اعتبار دارد.

خلاصه آنکه شهادت شیخ طوسی شهادتی واحد بوده و با فرض وجود نقض از اعتبار ساقط است، حال یا باید به اشتباه او معتقد شد^۱ و یا کلام او را برخلاف ظاهر حمل کرد، اما شهادت ابن قولویه به شهادت‌های متعدد منحل می‌شود و نقض یکی از این شهادت‌ها سبب از بین رفتن اعتبار سایر شهادت‌های او نیست.^۲

پاسخ محقق خویی به اشکال مبتنی بر کشف وثاقت مروی عنه مشایخ ثلاث توسط شیخ طوسی بود، اما می‌توان حتی با فرض اینکه شیخ طوسی از مشایخ ثلاث التزام به نقل از ثقه را نقل کرده باشد، میان شهادت مشایخ ثلاث و ابن قولویه تفاوت قائل شد. بدین بیان که وجود نقض‌ها معتدل در مروی عنه مشایخ ثلاث سبب می‌شود اصل عدم خطا در مورد آنها جاری نبوده و نتوان به نقل آنها در تمام موارد اعتنا کرد. برخلاف شهادت ابن قولویه که با فرض کمی نقض‌ها مشکلی در جریان اصل عدم خطا در سایر نقل‌های او وجود ندارد. دلیل این تفاوت با توجه به منشأ حجیت اصل عدم خطا آشکار می‌شود. اصل عدم خطا، اصلی عقلایی بوده و در فرض اطمینان به عدم خطا جریان دارد. به عنوان مثال اگر شخصی در هزار مورد تعداد محدودی خطا داشته باشد، این خطاها باعث سلب اطمینان به عدم خطا در مواردی که خطای او در آنها احراز نشده نیست، اما اگر در هزار مورد، دویست یا سیصد خطا احراز شود، دیگر نسبت به هشتصد یا هفتصد مورد باقی مانده، اطمینان به عدم خطا وجود نخواهد داشت. بلکه اگر اصل عدم خطا، اصلی تعبّدی بوده و شرط در جریان آن اطمینان نبود، کمی و زیادی خطا در پذیرش شهادت تأثیری نداشت. پس با توجه به زیادی موارد نقض در شهادت شیخ طوسی - که به نظر ما شیخ طوسی شهادت به امامی ثقه بودن مروی عنه مشایخ

۱. می‌توان مطابق مبنای محقق خویی وجه اشتباه را این‌گونه تقریب کرد که چون قداما معتقد به اصالة العدالة بوده‌اند، به صرف شیعه بودن راوی و نبود نقطه ضعف او را توثیق می‌کرده‌اند. حال با فرض، اثبات ثقه نبودن برخی از مروی عنه مشایخ ثلاث، مبنای اصالة العدالة زیر سؤال رفته و باعث عدم اعتبار شهادت به وثاقت در تمام موارد می‌شود.

۲. شبیری زنجانی، دروس رجال، سال ۶۲، نوار ۴۳ و ۴۴.

ثلاث داده است و انحراف در عقیده مروی عنه ایشان نیز نقض این شهادت است - و کمی این نقض‌ها در شهادت /بن قولویه می‌توان بین این دو تفاوت قائل شد.

البته ما در جای خود به نقض‌های وارد شده به شهادت شیخ طوسی پاسخ داده و اثبات کرده‌ایم موارد نقض محدود بوده و این موارد محدود نمی‌تواند مانع جریان اصل عدم خطا در سایر موارد باشد. از طرف دیگر، با مراجعه به کتاب کامل الزیارات به موارد متعددی برخورد می‌شود که از راوی مجهول یا راوی مسلم الضعف یا غیر معصوم نقل روایت شده یا روایت مرسل است. شاید بازگشت محقق خوبی از این نظریه به علت مراجعه به تک تک اسناد کامل الزیارات و مشاهده وجود نقض‌های متعدد در آن باشد.^۱

اشکال دوم (نقض‌های متعدد): دومین اشکال به وثاقت تمام راویان کامل الزیارات وجود نقض‌های متعدد در آن است. همان‌گونه که بیان شد، از عبارت /بن قولویه در مقدمه «الثقات من أصحابنا رحمهم الله برحمته» استظهار می‌شود راویان کامل الزیارات هم ثقه بوده و هم امامی هستند و این استظهار تعداد نقض‌ها را به مراتب بالاتر خواهد برد. در ادامه به برخی از این نقض‌ها اشاره می‌شود.^۲ /بن قولویه در باب فضل کوفه روایتی را از عایشه نقل کرده^۳ که حتی اگر عایشه را ثقه بدانیم، نقل روایت از او نقض بر شهادت /بن قولویه در مقدمه است؛ زیرا ظاهر شهادت او نقل از امامی ثقه است و بدون شک عایشه امامی نیست. نیز با مرور اسناد کامل الزیارات به روایت‌های متعددی از راویان سنی، راویان فطحی و راویان واقفی برخورد می‌شود. عمار ساباطی فطحی،^۴ عبدالله بن بکیر فطحی،^۵ زهری سنی،^۱ ابو معشر سنی،^۲ ابوالجارود زیدی رییس فرقه جارودیه نمونه‌هایی از این راویان هستند.^۳

۱. همان.

۲. همان، کتاب الصوم، سال سوم، ص ۹۳۵؛ همان، کتاب الإجارة، سال اول، جلسه ۳۷.

۳. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳۱، باب ۸، ح ۱۶. البته اصل مضمون این حدیث را با اسناد دیگری نقل کرده و شاید به همین جهت نقل از عایشه برایش مهم نبوده است. ر. ک به: همان، ص ۲۸ ح ۳ و ص ۲۸، ح ۵.

۴. همان، ص ۲۰، ح ۱ و ص ۲۱، ح ۶ و ص ۲۱۲، ح ۹ و ص ۲۴۷، ح ۳.

۵. همان، ص ۵۷، ح ۵ و ص ۷۵، ح ۱۵ و ص ۱۲۵، ح ۳ و ص ۱۳۷، ح ۱.

همچنین روایت‌های متعددی به نحو مرسل در کامل‌الزیارات وارد شده است. ابن‌قولویه در ۳۶ مورد از عنوان «بعض اصحابنا» و در ۲۷ مورد از عنوان «عن رجل» روایت نقل کرده است. مجموع روایت‌های مرسل موجود در کامل‌الزیارات حدود ۱۵۰ روایت است. در کنار این روایات مرسل، روایت‌های فراوانی از افراد مجهول وجود دارد. این تعداد به نحوی است که می‌توان گفت اطمینان به ثقه نبودن بخش عمده‌ای از این راویان مجهول و مرسل حتی نزد ابن‌قولویه وجود دارد، زیرا امامی نبودن برخی از این راویان و ثقه نبودن برخی دیگر، به حدی روشن است که در آن اختلاف مبانی وجود نداشته و نمی‌توان ادعا کرد/بن‌قولویه آنها را امامی و ثقه می‌دانسته است.^۴

برخی بر مبنای وثاقت تمام راویان کامل‌الزیارات به وجود عمر سعد نقض کرده^۵ و بیان می‌کنند: کسی در ضعف عمر سعد ملعون شک نداشته و وجود روایت او در کامل‌الزیارات بهترین شاهد بر ثقه نبودن تمام راویان موجود در این کتاب است. در مقابل برخی به این اشکال پاسخ داده و بیان کرده‌اند: عمر بن سعد تصحیف عمرو بن سعید بوده و مراد از آن عمرو بن سعید مدائنی است.^۶ اما با توجه به اینکه راوی از عمر بن سعد در کامل‌الزیارات نصر بن مزاحم است و نصر در کتابش به نام وقعه صفین مکرر از عمر بن سعد روایت نقل می‌کند،^۷ تا آنجا که اولین روایتی که در کتاب آمده روایت نصر بن مزاحم از عمر بن سعد است،^۸ نمی‌توان عمر بن سعد را مصحف عمرو بن سعید دانست.

حاله
پوهش‌ها

کامل‌الزیارات و شهادت ابن‌قولویه به وثاقت راویان

۱. همان، ص ۷۷، ح ۳ و ص ۹۲، ح ۲۰.
۲. همان. ابومعشر در طریق روایت‌های زهری است و در هر دو سند سابق وارد شده است.
۳. همان، ص ۴۷، ح ۳ و ص ۷۳، ح ۱ و ص ۲۶۸، ح ۵ و ص ۲۹۳، ح ۱۰.
۴. شبیری زنجانی، قاعده لاضرر، جلسه ۵؛ شبیری، محمدجواد، دروس رجال، نوار ۵۳، جلسه ۵۹.
۵. ابن‌قولویه، کامل‌الزیارات، ص ۷۱، ح ۲ و ص ۷۲، ح ۳ و ص ۷۷، ح ۳ و ص ۹۲، ح ۲۰ و ص ۹۳، ح ۳ و ص ۹۴، ح ۳ و ص ۹۵، ح ۴.
۶. امینی، مصحح کامل‌الزیارات، عمرو بن سعید را ترجیح داده و در برخی از موارد، نسخه عمرو بن سعید را بر عمر بن سعد مقدم کرده است.
۷. منقری، وقعه صفین، ص ۹۲ و ۱۹۶ و ۲۱۳ و ۲۸۵.
۸. همان، ص ۳.

توضیح آنکه عمر بن سعدي که نصر بن مزاحم از او روايت نقل مي کند استاد نصر بن مزاحم است و بر اين اساس نمي تواند عمر بن سعد معروف و ملعون باشد؛ زيرا اين عمر بن سعد در زمان امام صادق عليه السلام بوده و از نظر طبقه با عمر بن سعد ملعون همخواني ندارد. عمر بن سعد ملعون در زمان ولادت امام صادق عليه السلام ^۱ مرده بوده ^۲ و حتي ولادت امام صادق عليه السلام را درک نکرده است؛ اما عمر بن سعدي که شيخ نصر بن مزاحم است، عمر بن سعد بن ابي صيد اسدي نام داشته ^۳ و گاه با دو واسطه از امام صادق عليه السلام روايت کرده است و روشن است اين دو با هم متحد نخواهند بود. بدین ترتيب به قرينه روايت نصر بن مزاحم از عمر بن سعد، عمر بن سعد موجود در کامل الزيارات عمر بن سعد ملعون نبوده و نمي توان از اين ناحيه نقضي را به شهادت ابن قولويه وارد دانست. ^۴

خلاصه آنکه دیدگاه دوم با توجه به موارد نقض متعدد صحيح نبوده و نمي توان گفت ابن قولويه به ثقه و امامي بودن تمام راويان موجود در کامل الزيارات شهادت داده است و اگر چنين شهادتي از او صادر شده باشد، با توجه به نقض های متعدد، اصل عدم خطا در غير موارد نقض جريان نخواهد داشت.

۳. وثاقت مشايخ بی واسطه ابن قولويه: محدث نوري معتقد است عبارت ابن قولويه در مقدمه تنها بر توثيق مشايخ بدون واسطه ابن قولويه دلالت دارد. ^۵ محقق خويي نيز با عدول از نظريه سابق خویش اين دیدگاه را برگزيده است. وی در جای جای معجم رجال و کتب فقهی خویش به مبنای پيشين اشاره می کند؛ ولی بعد از اتمام نگارش معجم رجال و در اواخر با توجه به اشکالاتی که به اين مبنا وارد است، از آن عدول

۱. ولادت امام صادق عليه السلام در سال ۹۴ هـ واقع شده است.

۲. عمر بن سعد در سال ۶۶ هـ به دستور مختار کشته شد.

۳. منقري، وقعة صفين، ص ۳.

۴. شبيري زنجاني، کتاب نکاح، ج ۴، ص ۱۱۸۸.

۵. محدث نوري کلام ابن قولويه را صريح در توثيق کسانی که از آنها روايت نموده معرفي می کند و حدود ۳۲ نفر از مشايخ بدون واسطه ابن قولويه را ذکر می کند. اختصاص کلام ایشان به بيان مشايخ بی واسطه شاهد آن است که محدث نوري از دیدگاه سوم پیروي می کند. نوري، خاتمة المستدرک، ج ۳، ص ۲۵۱.

می‌کند.^۱ می‌توان برای این دیدگاه این‌گونه استدلال کرد: *ابن قولویه* در مقدمه کامل الزیارات آورده است «و قد علمنا أنا لا نحيط بجميع ما روي عنهم في هذا المعنى و لا في غيره لكن ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله برحمته». قدر متیقن از «ما وقع لنا من جهة الثقات» مشایخ بی‌واسطه *ابن قولویه* است و دلیلی بر بیش از آن وجود ندارد. از سوی دیگر، برخلاف دیدگاه دوم، مورد نقض مهمی بر این شهادت وجود نداشته و باید به آن اخذ کرد.^۲

فایده رجالی شهادت *ابن قولویه* بنابر دیدگاه سوم بسیار محدود است؛ زیرا *ابن قولویه* از بیشتر مشایخ بی‌واسطه خود مانند محمد بن جعفر رزاز^۳ در کامل الزیارات اکتار روایت دارد و حتی اگر دلالت شهادت *ابن قولویه* بر ثقه بودن مشایخ بی‌واسطه او پذیرفته نشود این راویان با توجه به پذیرش مبنای اکتار اجلا توثیق می‌شوند. بله موارد کمی وجود دارد که *ابن قولویه* از راوی خاصی چند روایت نقل می‌کند که موجب اکتار نیست و می‌توان با استناد به شهادت *ابن قولویه* این مشایخ را ثقه دانست. ابوالحسین احمد بن عبدالله بن علی ناقد،^۴ ابوعلی احمد بن علی بن مهدی^۵ و احمد بن محمد بن حسن بن

حاله
پوهش‌ها

کامل الزیارات و شهادت ابن قولویه به وقت روایان

۱. عدول محقق خویی در آخرین چاپ معجم رجال الحدیث که در ۲۴ جلد چاپ شده منعکس شده است. با این توضیح که معجم رجال تا چاپ چهارم (بیروت ۱۴۰۹ هـ) که در ۲۳ جلد منتشر شده طبق مبنای سابق ایشان تنظیم شده است، ولی چاپ پنجم (۱۴۱۳ هـ) که در ۲۴ جلد منتشر شده طبق مبنای اخیر ایشان تنظیم شده است. در مقدمه چاپ پنجم معجم رجال صفحه «ف» به قلم عبدالصاحب خویی به این تغییر اشاره شده است، بلکه محقق خویی خود به این مسأله در صراط النجاة تصریح می‌کند. (خویی، صراط النجاة، ج ۲، ص ۴۵۷). به عنوان نمونه عبارت معجم رجال راجع به ابراهیم بن مهزیار، ابراهیم بن هاشم، احمد بن هلال و قاسم بن یحیی - که همگی از مشایخ باواسطه *ابن قولویه* هستند - در چاپ پنجم اصلاح شده است. این افراد در معجم به ترتیب در ج ۱، ص ۳۰۶ و ج ۱، ص ۳۱۸ و ج ۲، ص ۳۵۸ و ج ۱۴، ص ۶۵ به جهت قرارگیری در اسناد کامل الزیارات و مانند آن توثیق شده‌اند؛ ولی در چاپ پنجم به ترتیب در ج ۱، ص ۲۸۰-۲۷۸ و ج ۱، ص ۲۹۱ و ج ۳، ص ۱۵۲ و ج ۱۵، ص ۶۷-۷۰ این ادعا حذف شده است.

۲. شبیری زنجانی، قاعده لاضرر، جلسه ۵.

۳. یکی از مشایخ اصلی *ابن قولویه* در کامل الزیارات محمد بن جعفر رزاز است که در موارد متعددی از او روایت کرده است. به عنوان نمونه رجوع کنید به: کامل الزیارات، ص ۱۴، ح ۱۹ و ص ۳۷، ح ۱۱ و ص ۵۱، ح ۵ و غیره.

۴. *ابن قولویه*، کامل الزیارات، ص ۶۱، ح ۸ و ص ۶۷، ح ۲ و ص ۷۳، ح ۱۱ و ص ۷۶، ح ۲ و ص ۷۷، ح ۳.

۵. همان، ص ۳۹، ح ۱.

سهل^۱ از این جمله‌اند. البته روایات برخی از این افراد فقهی نبوده و در کتب فقهی نیز روایت دیگری ندارند تا با توثیق آنها به کمک شهادت *ابن قولویه* ثمره فقهی مهمی اثبات گردد.

بله اگر مانند محقق خوینی به مبنای توثیق به واسطه اکتار اجلا معتقد نباشیم، توثیق مشایخ بی‌واسطه *ابن قولویه* از نظر رجالی و فقهی ثمره مهمی خواهد داشت؛ زیرا با این مبنا راویان زیادی که توثیق صریح ندارند و *ابن قولویه* از آنها فراوان نقل روایت کرده است توثیق خواهند شد. حکیم بن داود بن حکیم^۲ و حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی^۳ نمونه‌هایی از راویانی هستند که توثیق صریح ندارند و *ابن قولویه* در *کامل الزیارات* مکرر از آنها روایت کرده است.^۴

اشکال اول (از مشاهیر نبودن تمام مشایخ *ابن قولویه*): ظاهر شهادت *ابن قولویه* علاوه بر توثیق، مشهور بودن مشایخ است، در حالی که تمام مشایخ بی‌واسطه *ابن قولویه* از مشاهیر نیستند. ایشان در مقدمه می‌نویسد «و لا أخرجت فيه حديثا روي عن الشاذ من الرجال يؤثر ذلك عنهم عن المذكورين غير المعروفين بالرواية المشهورين بالحديث والعلم» و از آن استفاده می‌شود راویانی که او ثقة می‌داند مشهور به علم و حدیث نیز هستند.

پاسخ اول (امکان مشهور بودن راوی در زمان *ابن قولویه*): لازمه مشهور نبودن راوی در زمان ما، مشهور نبودن او در زمان *ابن قولویه* نیست. چه بسیار اشخاصی که در زمان خویش مشهور بوده و در طول زمان گمنام شده‌اند. پس با فرض شهادت *ابن قولویه* به مشهور بودن راویان، باید این شهادت را اخذ کرده و به صرف اثبات نشدن شهرت در زمان حاضر نمی‌توان این شهادت را ناصحیح دانست.^۵

پاسخ دوم (نفی استفاده مشهور بودن مشایخ *ابن قولویه* از عبارت مقدمه): همان‌گونه که به هنگام بررسی مفهوم مقدمه *کامل الزیارات* بیان شد، عبارت مقدمه بر شهرت تمام

۱. همان، ص ۲۱۹، ذیل ح ۱۲.

۲. *ابن قولویه* در *کامل الزیارات* ۳۲ بار از او روایت نقل کرده است.

۳. *ابن قولویه* ۱۶ بار با نام کامل از او در *کامل الزیارات* روایت کرده است.

۴. شبیری، محمدجواد، *دروس رجال*، نوار ۵۳، جلسه ۵۹.

۵. شبیری زنجانی، *قاعده لاضرر*، جلسه ۴.

راویان کامل الزیارات دلالتی ندارد. بلکه ابن قولویه مدعی است روایت راوی شاذ را در صورتی نقل کرده که راوی مشهوری از او روایت کرده باشد. اساساً ابن قولویه به مشهور بودن تمام راویان کامل الزیارت یا مشهور بودن مشایخ خویش در این کتاب شهادت نداده است.

اشکال دوم (شهادت ابن قولویه به نقل از راوی شاذ): در مقدمه کامل الزیارات آمده است «و لا أخرجت فيه حديثاً مما روي عن الشذاذ من الرجال يَأثر ذلك عنهم غير المعروفين بالرواية المشهورين بالحديث و العلم». مفهوم این عبارت آن است که ابن قولویه از افراد شاذ، به شرط نقل راوی مشهور از او، روایت کرده است. پس نمی‌توان گفت ابن قولویه شهادت به ثقه بودن تمام مشایخ بی‌واسطه خویش داده است.

پاسخ اول (عدم تلازم شدوذ و ضعف): مراد از «شذاذ من الرجال» مجروحین و راویان ضعیف نیست، بلکه قاعده اولی در اصطلاح روایت شاذ، ثقه بودن راویان آن است. در بحث تفسیر کلام شیخ طوسی روایت شاذی درباره شهادت ثلاثه وارد شده است. آیت‌الله استادی در مقام تعریف روایت شاذ برآمده و آن را به روایتی که از نظر سندی صحیح و راویانش کم است تفسیر می‌کند، ولی به نظر ما شاذ مفهومی عام داشته و می‌تواند به معنای روایت ضعیف نیز باشد، اما اگر در مقام نقد روایت، تنها به شاذ بودن آن اشاره شود، قرینه بر آن است که اشکالی در روایت، غیر از تفرّد راوی وجود ندارد. مطابق این معنا «شذاذ من الرجال» به معنای روایانی است که سلیقه‌های متفرّدی مانند نقل فراوان از ضعفا و اعتماد بر مرسلات دارند، نه اینکه خود ضعیف باشند. پس می‌توان افرادی مانند احمد بن ابی عبدالله برقی و پدرش محمد بن خالد برقی را از راویان شاذ دانست. خلاصه آنکه مفهوم کلام ابن قولویه نقل با واسطه مشاهیر از راوی شاذ است و این به شهادت ایشان به ثقه بودن مشایخ بی‌واسطه خود خللی وارد نمی‌کند.^۱

پاسخ دوم (امکان شاذ بودن راویان با واسطه): مطابق نسخه صحیح مقدمه کامل الزیارات ابن قولویه مدعی است تنها در صورتی از راوی شاذ روایت نقل می‌کند که راوی مشهوری از او روایت کرده باشد. روشن است که این راوی شاذی که راوی

۱. شبیری زنجانی، قاعده لاضرر، جلسه ۵.

مشهوری از او روایت نقل کرده است، نمی‌تواند در عداد شیوخ بی‌واسطه *ابن قولویه* قرار گیرد. پس حتی اگر «الشذاذ من الرجال» بر ضعف راوی دلالت کند، تنها بر ضعف مشایخ باواسطه دلالت می‌کند و بر ضعف بودن مشایخ بی‌واسطه دلالتی ندارد. اگر این استظهار صحیح باشد، می‌توان گفت *ابن قولویه* به وثاقت تمام راویان کتاب خویش شهادت داده و تنها در صورتی از راوی شاذ روایت آورده است که راوی مشهور از او روایت کرده باشد. بدین ترتیب اگر هیچ‌یک از راویان یک روایت در هیچ‌یک از طبقات مشهور نباشند، می‌توان به اعتماد این شهادت تمام راویانش را توثیق کرد و اگر مشایخ بی‌واسطه *ابن قولویه*، شیخ این شیخ و طبقه بعدی، راوی غیر مشهوری باشند، می‌توان آنان را نیز توثیق کرد. اما اگر طبقه سوم راوی مشهور بوده و طبقات بعدی تا امام معصوم علیه السلام، راوی غیر مشهور باشند، نمی‌توان وثاقت راویان پس از طبقه سوم را اثبات کرد.^۱

امکان دارد در پاسخ به این بیان گفته شود مراد *ابن قولویه* این نیست که مشایخ باواسطه می‌تواند شاذ باشد، ولی ما به واسطه راویان مشهور از او روایت کرده‌ایم، بلکه مراد این است که اگر روایت مشایخ شاذ بی‌واسطه در کتاب‌های مشهور وارد شده باشد، از او در کامل الزیارات روایت نقل شده است. مثل آنکه *ابن قولویه* درباره روایت از علی بن حسین سعدآبادی بگوید: چون مشاهیر در کتاب‌های خود روایت علی بن حسین سعدآبادی^۲ را نقل کرده‌اند، من نیز روایت‌های او را بی‌واسطه نقل خواهم کرد. پس *ابن قولویه* به اعتماد نقل مشاهیر از سعدآبادی روایات او را در کامل الزیارات وارد کرده، هر چند از دیدگاه *ابن قولویه*، سعدآبادی راوی شاذی باشد.

اما این برداشت برخلاف ظاهر بوده و نمی‌توان بدان اخذ کرد؛ زیرا صرف اینکه راوی مشهوری در کتابی دیگر، از علی بن حسین سعدآبادی روایت را نقل کرده و *ابن قولویه* در کامل الزیارات به آن نقل اشاره نکرده باشد، سبب آن نیست که *ابن قولویه* از سعدآبادی بدون واسطه نقل کند. با توجه به اینکه نظرها درباره راوی مشهور و غیر

۱. همان، جلسه ۴.

۲. علی بن حسین سعدآبادی از مشایخ *ابن قولویه* است که از او در کامل الزیارات بدون واسطه نقل کرده است. *ابن قولویه*، کامل الزیارات، ص ۱۰۹، ح ۷.

مشهور متفاوت است، مطابق قاعده باید به آن راوی اشاره شود و در این صورت راوی شاذ، دیگر از مشایخ بی واسطه نخواهد بود.

متعارف و معمول این است که اگر اخذ از راوی شاذ و ضعیف به علت نقل راوی مشهور از او باشد، به راوی مشهور اشاره می‌شود. به همین دلیل، نجاشی درباره ابومفضل شیبانی می‌نویسد: مشایخ، ابومفضل شیبانی را تضعیف کرده و من به همین علت روایت او را تنها با واسطه نقل می‌کنم.^۱ در نتیجه، استفاده شاذ و ضعیف بودن مشایخ بی واسطه/ابن قولویه از این عبارت، خلاف ظاهر است. حتی اگر بتوان اثبات کرد /ابن قولویه برخی از مشایخ بی واسطه خویش را شاذ می‌دانسته، اما همان‌گونه که بیان شد، شاذ با ضعیف تلازمی ندارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با مراجعه به کلمات بزرگان، سه رویکرد متفاوت در برخورد با شهادت/ابن قولویه برداشت می‌شود. دو دیدگاه در طرف نقیض یکدیگر قرار گرفته و اثبات یا نفی اثبات وثاقت تمام راویان کتاب کامل الزیارات را از شهادت/ابن قولویه مدعی شده است. لکن انکار کلی دلالت عبارت/ابن قولویه بر وثاقت با ظاهر عبارت وی ناسازگار است، چنانکه برداشت وثاقت تمام راویان موجود در کتاب با نقض‌های فراوانی همراه است و این سبب می‌شود در غیر موارد نقض، اصل عدم خطا از حجیت ساقط گردد. دیدگاه سوم، تنها وثاقت راویان بدون واسطه ابن قولویه را مدعی است و علاوه بر سازگاری با ظاهر عبارت ابن قولویه از نقض‌های دیدگاه وثاقت تمام راویان مبراست.

در صورت پذیرش مبنای اکثر اجلا، فایده رجالی دیدگاه سوم بسیار محدود می‌شود؛ زیرا/ابن قولویه از بیشتر مشایخ بی واسطه خود مانند محمدبن جعفر رزاز اکثر روایت دارد و تنها در مانند ابوالحسین احمدبن عبدالله بن علی ناقد، ابوعلی احمدبن علی بن مهدی و احمدبن محمدبن حسن بن سهل -که بیشتر روایات غیرفقهی دارند- تمریخش است. بلی با انکار مبنای توثیق اکثر اجلا، توثیق مشایخ بی واسطه /ابن قولویه از نظر رجالی و فقهی ثمره مهمی خواهد داشت؛ زیرا با شهادت/ابن قولویه،

۱. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۹۶، رقم ۱۰۵۹.

راویان زیادی که توثیق صریح ندارند و / ابن قولویه از آنها مکرر نقل روایت کرده و روایات فقهی دارند توثیق خواهند شد. حکیم بن داود بن حکیم و حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی از این راویان هستند.

منابع و مأخذ

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۴۱۳ق.
۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف اشرف: دار المرتضویه، چ ۱، ۱۳۵۶ش.
۳. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۹ق.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، الإیقاظ من ההجعة بالبرهان علی الرجعة، تهران: نوید، چ ۱، ۱۳۶۲ش.
۵. _____، الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، چ ۱، ۱۴۱۸ق.
۶. _____، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چ ۱، ۱۴۰۹ق.
۷. شبیری زنجانی، سید موسی، دروس رجال (تقریر درس آیت الله شبیری زنجانی)، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز، [بی تا].
۸. _____، قاعده لاضرر (تقریر درس آیت الله شبیری زنجانی)، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز، [بی تا].
۹. _____، کتاب الاجارة (تقریر درس آیت الله شبیری زنجانی)، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز، [بی تا].
۱۰. _____، کتاب الصوم (تقریر درس آیت الله شبیری زنجانی)، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز، [بی تا].
۱۱. _____، کتاب نکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز، چ ۱، ۱۴۱۹ق.

۱۲. شبیری، سیدمحمدجواد، دروس رجال (تقرير درس سيدمحمدجواد شبیری)، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز، [بی تا].
۱۳. طبری آملی، عماد الدین أبی جعفر محمدبن أبی القاسم، بشارة المصطفى لشيعة المرتضى، نجف: المكتبة الحيدرية، ج ۲، ۱۳۸۳ق.
۱۴. طوسی، محمدبن الحسن، رجال الطوسی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۳، ۱۳۷۳ش.
۱۵. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، رجال العلامة الحلی، نجف اشرف: دار الذخائر، ج ۲، ۱۴۱۱ق.
۱۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دار الكتاب، ج ۳، ۱۴۰۴ق.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۲، ۱۴۰۳ق.
۱۸. موسوی خویی، سیدابوالقاسم، صراط النجاة، قم: مکتب نشر المنتخب، ج ۱، ۱۴۱۶ق.
۱۹. ———، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال، [بی جا]: [بی نا]، [بی تا].
۲۰. ———، موسوعة الإمام الخوئی، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی، ج ۱، ۱۴۱۸ق.
۲۱. نجاشی، احمدبن علی، رجال النجاشی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۶، ۱۳۶۵ش.
۲۲. نصر بن مزاحم، وقعة صفین، قم: دفتر آیت الله مرعشی نجفی، ج ۲، ۱۴۰۴ق.
۲۳. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ج ۱، ۱۴۰۸ق.

کامل
پوهش

کامل الزیارات و شهادت این قولیه به وقت راویان